

2016/19.12

گردآورنده: احسان لمر

بخش: نخبگان، شخصیت های تأثیر گذار تاریخی

کاکا سید احمد لودین

بیوگرافی:

«سید احمد لودین» پسر «فیض محمد خان لودین» در سال (1224 - 1855) در قندهار متولد گردید، تحصیلات ابتدائی را از علمای فرزانه عصر فرا گرفت.

«سید احمد» نو جوان استعداد و نکاوت فوق العاده داشت که بعداً آنرا در دوره تحصیل او ملاحظه مینمائیم. او شاگرد ممتاز و اول نمره مکتب حریبه دوره «شیرعلی خان» بوده و افتخار شاگردی چند روزه «سید جمال الدین افغان» را هم حاصل نمود. به نسبت خوردهی سن بعد از فراغت مکتب حریبی او را بیکی از رتبه های پائین تر در اردو شامل نمودند که برسم احتجاج آنرا ترک نمود و در ختم دوره «شیرعلی خان» بکابل آمد. در زمامداری «امیر عبد الرحمن خان» زندانی بود تا اینکه در اواخر آن آزاد گشت.

فامیل پدری کاکا از تجار ملی زمان شان بودند که کوچه لودیان قندهار بنام این فامیل میباشد آنها با علوم عصری و سیاست آشنائی داشتند، و فرزندان این خانواده هم بر همان اساس تربیت میشدند، چنانچه «کاکا سید احمد» کتابی در علوم حساب بزبان دری نوشته بود که متأسفانه طبع نشده است.

شادروان «کاکا سید احمد» مناصفه عمرش یعنی 32 سال از مجموع 72 سال را در زندان بخاطر مبارزه علیه ظلم، استبداد، بی عدالتی، جهل، بیسوادی و در فقر نگهداشتن عمدی مردم سپری نمود. «کاکا سید احمد» عالی ترین سمبول عشق و علاقه واقعی به وطن و همهء مردم کشور به علوم جدید، آزادی، دموکراسی و عدالت بود. وی در سال 1306 شمسی وفات نمود.

کارنامه ها:

«پوهاند هاشمی» نوشته اند که «کاکا سید احمد»: "در عصر سراجیه منتظم مکتب حبیبیه و عضو فعال مشروطه خواهان شد و رئیس یکی از گروهها بود. در گیر و گرفت مشروطه خواهان محبوس گردید و تا اواخر سلطنت سراجیه زندانی بود."

یکی از برجسته ترین یادگارها و خدمت «کاکا سید احمد» سیستم سواد آموزی بود که بنام خودش یعنی، «طرز کاکا» شهرت داشت و آن بر عکس قاعده بغدادی بجای حفظ کردن حروف، شیوهء که متکی به آواز حروف بود مانند «آب، آخ، آرد...» را اساس گذاشت که تا به امروز مروج است.

معلومات بیشتر:

«محمد حسن خان» داماد کاکا «سید احمد» از زبان وی نقل قول کرده: "تعداد مشروطه خواهان متجاوز از 900 نفر بود غالب آنها که مردم با قوم، صاحب نفوذ و دارای اسلحه بودند، ولی نام شان در لیست نه بود. به قول از کاکا نخستین بار یک تعداد افغانهای منور راجع به تشکیل حزب موافقت شان حاصل شد. در پهلوی آن بعضی از اعضا تعهد کردند که چندین هندوستانی های مستخدم نیز در این جمعیت شامل باشند تا از این طریق بتوانند اعضای بیشتر را جلب کنند. همان بود که «داکتر عبدالغنی خان» و یک تعداد دیگر هندوستانی ها شامل جمعیت گردیدند." 1

«نهضت مشروطیت و آزادی خواهان کشور را می توان نمونه دانست از اتحاد، همبستگی و برابری ملیت های هندی، ازبیک، ترکمن، هزاره، بلوچ، پشتون و تاجیک که همه بروی قرآن مجید، قلم و شمشیر قسم و سوگند یاد کرده بودند که تا آخرین قطره خون، یار، برادر و هم رزم یک دیگر باشند.»²

بعد از گریز گرفتارها دولت وقت جنبش مشروطه خواهان را بنام «فقرهء داکتر غنی» عنوان نموده بود، مرحوم پوهنیار به نقل قول پدرش «میر صاحب سید قاسم» نوشته که:

«چون سر پرست عمومی مکتب حبیبیه «داکتر عبدالغنی» بود گمان میرفت که آن مفکوره زادهء فکر «داکتر غنی» است از آنرو زندانیان نهضت مشروطه را محبوسین فقرهء داکتر غنی می نامیدند و روزی زندانیان اطاق را باز کرده و صدا زد که محبوسین فقره «داکتر غنی» بیرون بیائید چند تنی بیرون رفتند و کاکا بیرون نشد از او پرسید که توهم در این فقره بندی هستی، کاکا در حالیکه «داکتر غنی» هم در عین اطاق بود با... عصبیت صدا کرد که: «زه په خپل پکره کشی بندی یم»

«میر صاحب» میگفت سخن کاکا راست بود، زیرا فقره مذکور یعنی ظهور مشروطیت به داکتر غنی ارتباط نداشت جوانان آن نهضت اشخاص خرد مندی بودند که از خود استقلال رای و اراده داشتند.»³

منابع دست اول مشروطه خواهان مانند «کاکا سید احمد»، «میر صاحب» و ... نقش گروپ های روشنفکر افغان را در تشکیل نهضت مشروطیت در قدم اول میدانند، نباید از سرپرستی یک گروپ یا عضویت زنده یاد داکتر عبدالغنی در مشروطیت انکار نمود ولی او موسس و بنیان گذار این نهضت هرگز نبوده.

در سال 1918 بین «کاکا سید احمد»، پسرش «عبدالرحمن لودین» و «تاج محمد خان بلوچ» مذاکرات سری صورت گرفته و «عبدالرحمن» موظف به قتل امیر شدند، زیرا در همان زمان که هیت ترک و جرمن به افغانستان آمده بودند تا افغانستان خواهان استقلال سیاسی و هم نزدیکی با ترکیه و المان را اختیار نمایند که تمامی آزادی خواهان حتی پناهندگان آزادی خواه هند هم طرفدار آن نظر بودند ولی امیر بر عکس با امضای ماهده با انگلیس ها بی طرفی را برگزید و استقلال کشور را به بعد موکول نمود که باعث خشم جوانان و نیرو های هم پیمان شان گردید، اما گلوله به جان امیر اصابت نکرد و «حبیب الله خان»، مرزا «محمد حسین خان» مستوفی الممالک را در پی کشف قضیه موظف نمود زیرا نامبرده در عهد «امیر عبدالرحمن خان» کوتوال (معادل قوماندان امنیه امروزی) کشور بود، در نتیجه «عبدالرحمن لودین» با غل و زنجیر و زولانه در زندان ارگ کوه قلفی شد و از پدرش کاکا سید احمد که قبلاً در زندان بود این گونه استفسار کردند که:



سمبول مشروطیت افغانستان

« برای ما اطلاع رسیده بود که شما عزم کشتن امیر را کرده بودید. چنانچه در شب جشن، پسر شما «عبدالرحمن» از بام مسجد سه فیر تفنگچه بر امیر کرد. چون اجل او نرسیده بود فیر تفنگچه به او اصابت نکرد. بعد از آنکه از مردم و اهالی دو طرفه بازار تحقیق شد همه شهادت دادند که آنها بچشم خود «عبدالرحمن» پسر شما را دیدند که بالای امیر فیر کرد در این باره چه می گوئید؟ « کاکا سید احمد» به «سید یاقوت شاه خان» چرخي لوگری قلعه بیگی گفت که اگر شفاهی جواب بگویم ممکن نزد امیر رفته او (آب) را گاو بگوئید پس اگر خواسته باشید که امیر صاحب حقیقت موضوع را دریافت کند دست مرا رها کنید که تحریری جواب گویم ... قلم برداشته و نوشت: چون امروز حکومت، حکومت اسلامی است و ما می دانیم که حکومت هیچ وقت از حق سرکشی ندارد، خود شما میدانید که اگر نفری مقابل مسجد فیر عبدالرحمن را دیده باشند و شهادت دهند معقول است ولی اینکه می نویسید که مردم هر دو طرف بازار او را دیده منطقاً چطور قبول کرده بتوانیم که آنانی که به سمت مسجد بزی پای عبدالرحمن قرار داشتند او را دیده باشند چه آنها او را دیده نه می توانستند. پس شهادت شان چگونه مورد اعتبار است؟ این محض یک دسیسه است و بعضی اشخاص برای این که حکومت را از خود خوش بسازند ما را در اجرای این عمل معرفی کرده اند. چون اوراق جوابات را «حبیب الله خان» مطالعه کرد گفت که با کشتن آنها مسئولیت روز آخرت را به گردن نه می گیرم.»⁴

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند



د عبدالرحمن لودین

کاکا همچو دیگر مبارزان انقلابی آن دوره شخص بی ترس و بی هراس بوده پله بین و زمانه ساز و ابن الوقت و چاپلوس نبود، میگویند زمانی که «امان الله خان» عازم پکتیا شده بودند، کاکا توسط نامه از پالیسی های دولت بخصوص از قوم بازی و قوم پرستی «شاه امان الله خان» - به مشاوره ملکه مادرش - انتقاد نموده، که اعلیحضرت آنرا معقول دانسته و وعده اصلاح آنرا داد. همچنان کاکا به دوستان و رفقای خود گفته بود که: "طرز حکومتی را که ما و شما می خواستیم نشد، پس بیایید که حکومت جمهوری را پیش بیاوریم" **5**

"کاکا با داشتن صراحت لهجه و راست گوئی تا اواسط دوره امانیه بین مردم و دربار محترم بود و در اکثر محافل علمی و ادبی شمولیت ورزید و به رای او کار می بستند." **6**

« کاکا سید احمد » بعد از یک عمر پر بار و پر افتخار توام با مبارزه و روشنگری در 14 حوت 1306 ش - 23 جنوری 1927 م. درگذر سنگ تراشی کابل داعی اجل را لبیک گفته به رحمت ایزدی پیوست و در شهدا صالحین کابل در گورستان « محمد رفیع خان لودین » مدفون شد .

وزارت معارف ما در دوره بعد از امانیه در کتب درسی صنوف اول مکاتب ابتدائی و هم کورس های سواد آموزی (مبارزه با بیسوادی) بدون نام بردن از کاکا و ذکر خیر او استفاده نمودند و عمداً نام یک مشروطه خواه دیگر را پنهان و حذف نموده و نه خواستند از یک خدمت گذار واقعی نامی برده شود. امید نام کاکا سید احمد لودین سرلوحه بسا مکاتب و کتابخانه ها و پوهنتون های افغانستان شود .

مآخذ:

1. پوهاند سید سعد الدین هاشمی - جنبش مشروطه خواهی در افغانستان - ص 266 جلد اول چاپ سویدن.
2. محمود نجفی - نگاهی بر جنبش و تحریک مشروطه اول و دوره «امانیه» - سایت کابل ناتھ.
3. سید مسعود پوهنیار - ظهور مشروطیت و قربانیان استبداد، ص 104 و 105 طبع 1375 پشاور.
4. پوهاند سید سعد الدین هاشمی - جنبش مشروطه خواهی در افغانستان - جلد دوم ص 232 چاپ سویدن بقول از محمد حسن بلوچ داماد کاکا سید احمد.
5. پوهاند هاشمی ، ص 267 جلد اول.
6. همانجا.

به صفحه قاموس کبیر افغانستان خوش آمدید

تیم بنیان گذار این قاموس آرزو دارد، داشته های این گنجینه که نمایانگر اصالت افغانستان باستان است شما را تا حد لازم مدد رساند